

IRAN'S ATOMIC ENERGY AND INCREASE OF LEUKEMIA

<http://www.ghandchi.com/426-leukemia-plus.htm>



سام قندچی

انرژی اتمی و افزایش سرطان خون در ایران

در سالهای جنگ ایران و عراق و تا مدتی پس از آن دولت ایران در محافل بین المللی از افزایش موارد سرطان خون صحبت میکرد و ادعا میکرد که موارد یافت شده در میان کسانی است که در جنگ با عراق بوده و یا در مناطق جنگ زده بوده اند و علت بیماری را هم به گازهای شیمیایی استفاده شده توسط عراق در جنگ ایران و عراق ذکر میکردند. در آن زمان در ارتباط با گازهای نظیر Mustard Gas که عراقی ها در جنگ استفاده کرده بودند و احتمال ابتلا به سرطان خون در اثر قرار گرفتن در معرض آن گاز و عوارض بعدی آن، آزمایشهایی هم در اروپا و هم در ایران انجام شد، که یافتن مدارک آن آزمایش ها برای محققین نایستی دشوار باشد.

اما در پانزده سال اخیر دولت ایران حرفی از افزایش ابتلا به سرطان خون و آن هم در میان *بزرگسالان* نمیزند. در واقع تحقیقات جهانی نشان داده است که مثلاً سرطان خون نوع AAL اساساً یک بیماری ژنتیک است که در کودکان پیدا میشود *اما* در میان بزرگسالانی که سابقه خانوادگی هم از آن نداشته اند، این بیماری اساساً بعلت قرار گرفتن در معرض اشعه رادیو آکتیو بوجود میآید.

حالا وقتی افزایش این بیماری در بزرگسالان مثل جوانان 28 ساله آنها در میان کسانی که اصلاً به جنگ نرفته اند و حتی در مناطق جنوبی ایران نبوده اند و در تهران همه عمر زندگی کرده اند دیده شود، آیا سوال برانگیز نیست؟ آیا مثلاً نمیتواند دلیلش نزدیکی مدرسه این جوانان به یک محل مخزن اتمی باشد با شکافی در تأسیسات بدون آنکه خودشان بدانند و همه آنها در یک سن معین در معرض اشعه رادیو آکتیو قرار گرفته باشند؟

من وقتی دیروز در خبرها از قول سخنگوی وزارت خارجه آمریکا [http://www.voanews.com/english/2005-10-05-voa58.cfm] خواندم که سازمان بین المللی انرژی اتمی IAEA هم تأیید کرده است که در ایران در منطقه لویزان یعنی بالای شمیران کنار تهران در زیر زمین فعالیت های اتمی انجام شده است از خودم سوال کردم چرا دولت ایران حرفی از افزایش ابتلا جوانان آن منطقه به بیماری سرطان خون نمیزند؟ آیا دولت این آمار را ندارد؟ آیا در تهران و شمیرانات که بیمارستان های مجهز هستند، آمار ابتلا به سرطان خون و افزایش آن در این سالها ندانسته است؟ ما از یک منطقه دور افتاده بلوچستان حرف نمیزنیم. لویزان کنار تهران است. چطور سالهاست که دولت ایران حرفی از تحقیق در مورد تأثیرات مواد شیمیایی و رادیو آکتیو عراق در جنگ نمیزند؟ نمیشود هم برای این واقعیت تلخ فقط دولت احمدی نژاد را محکوم کرد. هشت سال آقای خاتمی بوده است و امثال آقای معین هم در مقامات علمی دولتی بوده اند؟ آیا اینها در این مورد نمیدانند؟

این روزها خیلی بحث درباره استفاده ایران از انرژی اتمی برای مصارف نظامی است و اینکه آیا یک رژیم ضد حقوق بشر حق دارد چنین سلاح هائی داشته باشد. از نظر من یک رژیم ضد حقوق بشر حتی پلیس هایش نایبستی حق داشته باشند که باطون داشته باشند تا چه رسد به اسلحه گرم و از آنهام بدتر سلاح اتمی. در این رابطه موضوع الویت دار تر ضدیت رژیم با حقوق بشر است و چنین رژیمی نمیتواند از منافع ایران دفاع کند. من در این باره باندازه کافی نوشته ام و اینکه رژیم با جنگی دیگر بخواهد به خود مشروعیت ناسیونالیستی بدهد برای من و بسیاری ایرانیان دیگر این هامثل روز روشن است و آن ها که هنوز در این دام میافتند، بخاطر ندانستن نیست که لازم باشد بیشتر بحث کنیم، تقصیر از رژیم نیست، بعد از تجربه عراق و تجربه همه این سالها دیگر بایستی بگویم که تقصیر از خود آن دوستان است که هنوز گول این حرف ها را میخورند. به هر حال من هدفم بحث بیشتر در این رابطه نیست که آنچه باید گفته شود تا حال گفته شده و صلاح کار خود خسروان دانند.

میدانم که خیلی ها سوال میکنند که ایران با اینهمه مخازن نفت چه نیازی به آلترناتیو انرژی اتمی دارد. بنظر من ساختن آلترناتیو درست است. البته در دنیای کنونی من ترجیح میدهم که کار تحقیق آلترناتیو برای نفت بر روی نانو تکنولوژی متمرکز شود و نه انرژی اتمی. و موضوع برق در ایران به شبکه ای که افت زیاد نداشته باشد بیشتر مربوط است تا تولید که امیدوارم فرصت کم روزی در این باره بنویسم. اما به هر حال من هم اذعان میکنم که تنها آلترناتیو واقعاً موجود برای تولید انرژی که نسبت هزینه به تولیدش اقتصادی است همین انرژی اتمی است. در نتیجه اگر کشوری به آلترناتیو همین حالا احتیاج داشته باشد شاید راه اولش همین انرژی اتمی است و نه راه های تمیز مثل انرژی خورشیدی یا باد و غیره. اما اگر هدف دراز مدت است، بنظر من راه همان نانو تکنولوژی است. تا آنجا هم که به نیاز مربوط به داشتن سلاح اتمی یا نداشتن آن برای یک دولت دموکراتیک مربوط میشود، فعلاً که ما دولت دموکراتیکی نداریم و آنطور که گفتیم برای دولت کنونی حتی باتون پاسبانه هم بمعنی دفاع از حقوق مردم نیست تا چه رسد به سلاح اتمی. اما بحث من در این جا در مورد ایمنی است و نه استراتژی آلترناتیو انرژی از نظر اقتصادی و یا استراتژی نظامی برای دولت دموکراتیک آینده.

در واقع بحث من در رابطه با استفاده از انرژی اتمی، اگر مصرف آن نظامی یا غیر نظامی باشد، فرقی ندارد. آیا تأسیساتی که ادعا میشود غیر نظامی است از نظر ایمنی ارزیابی شده اند، چه در لویزان در کنار تهران باشند و چه در بوشهر در کنار خلیج فارس؟ مثلاً در ایران زلزله خیز آیا در نقطه ای مثل لویزان خیلی راحت زلزله نمیتواند شکاف در نیروگاه اتمی ایجاد کند و باعث درز کردن مواد رادیو آکتیو شود؟ زباله ها به کجا ریخته میشود و امروز آب شمیرانات جقدر سالم است که میوه درختان آنجا را میخوریم؟ آیا منطقه اطراف لویزان و محل های دیگر اتمی از نظر رادیو آکتیو با استاندارد های بین المللی و از طریق موسسات مستقل بین المللی آزمایش شده است؟

به هر حال بحث من سلامت مردم ایران در شرایط حاضر است. آیا میشود از سازمان ملل و آژانس بین المللی انرژی اتمی و آقای البرداعی که حالا جایزه نوبل صلح را هم برده اند خواست که هیئتی بفرستند و مسأله افزایش ابتلا به بیماری سرطان خون در بزرگسالان در ایران و ارتباط آنرا با پروژه های اتمی ایران ارزیابی کنند. این کار اقلأ کمک میکند که آمار فوت فرزندان بسیاری از خانواده هائی را که دختر و پسر خود را در عنفوان جوانی در 25-30 سالگی یکباره در مدت کوتاهی از دست داده اند مورد استفاده قرار گیرد که دیگران جگر گوشه گانشان را اینچنین از دست ندهند.

به امید **جمهوری آینده نگر** فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

15 مهر 1384

October 7, 2005

مقالات مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/index-Page4.html>

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>